

جریان‌شناسی پنطیکاستی‌گرایی در دوره معاصر

سیّدحسین علوی^۱

عزّالدین رضانژاد^۲

چکیده

پنطیکاستی‌گرایی یکی از فرقه‌ها یا به اصطلاح جنبش‌های نوپدید در مسیحیت است که بر تجربه شخصی و بدون واسطه خدا، از طریق دریافت غسل تعمید از روح القدس و نیز عملی شدن عطایای روح القدس مانند نبوت، معجزات و شفا در دوره کنونی و بهره‌مندی مؤمنان امروزی از مواهب مادی و معنوی الهی در پرتو قدرت روح القدس تأکید دارد. این جنبش، از تاریخ ظهورش در آغاز قرن بیستم، ضمن رشد سریع و نفوذ در بدنه مذاهب اصلی مسیحیت، در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین جریان مسیحی در دنیاست. شناخت این پدیده و انشعابات جدیدش به دلیل گسترش سریع آن در اغلب مناطق جهان، از اهمیت خاصی در حوزه دین‌پژوهی عصر حاضر برخوردار است. نوشتار حاضر، ضمن درک اهمیت و ضرورت این مسئله، درصدد پاسخ به این سؤال است که پنطیکاستی‌گرایی در سیر تطور یک‌سده‌ای خود، دارای چه انشعابات درونی و تغییرات آموزه‌ای و نگرشی بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع اصلی این حوزه سامان یافته، حاکی است که این جنبش در عمر یک سده‌ای خود، شاهد دگرگونی پیوسته و ظهور انشعابات متعددی در درونش بوده که جنبش‌های کاریزماتیک، نوپنطیکاستی و کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای، مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند. تقلیل و تسهیل آموزه‌های نخستین جنبش در موج‌های بعدی و تلفیق و سازگاری آن با فرهنگ‌های محلی در راستای جذب حداکثری پیروان، مهم‌ترین عوامل تمایز این جنبش‌ها با یکدیگر و نیز دلیل نفوذ آن‌ها در میان توده‌های اجتماعی است.

واژگان کلیدی: پنطیکاستی‌گرایی، پنطیکاستی کلاسیک، جنبش کاریزماتیک، نوپنطیکاستی‌گرایی، جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای.

۱. استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (نویسنده مسئول):

syedhosein_alaviiri@miu.ac.ir; hosainalawi@yahoo.com

۲. استادتمام جامعه‌المصطفی‌العالمیه، گروه کلام و مذاهب، عضو انجمن ادیان حوزه:

rezanejad39@yahoo.com

درآمد

یکی از فرقه‌های جدید مسیحی یا به اصطلاح جنبش‌های دینی نوپدید که در سده بیستم ظهور نموده و رشد بسیار سریع و گسترده‌ای در سطح جهانی داشته و دارد، جنبش پنطیکاستی با گونه‌های مختلفش است. پنطیکاستی‌گرایی یا پنجاه‌گرایی^۱ یک جنبش مسیحی کاریزماتیک از انشعابات مذهب پروتستان است که بر تجربه شخصی و بدون واسطه خدا از طریق غسل تعمید توسط روح القدس و نیز دریافت عطایای روح القدس تأکید دارد (Chryssides 2012: 179-180; Livingstone 2013: Pentecostalism).

اصطلاح پنطیکاستی از پنطیکاست^۲ مشتق شده است و اشاره دارد به رویداد نزول روح القدس بر رسولان و سایر پیروان عیسی مسیح در اورشلیم، درست هنگام برپایی عید پنجاهه که در کتاب اعمال رسولان توضیح داده شده است (اعمال رسولان، ۲: ۱-۴).^۳

بنابراین، پنطیکاستی‌گرایی مدرن نام خود را برگرفته از روایت مذکور تلقی کرده و بر همین اساس، بر قدرت و حضور روح القدس تأکید دارد و معتقد است که عطایای روح القدس برای تجهیز مؤمنان در راستای اظهار به خداوندگاری عیسی مسیح و جلال خداست. ظهور جلوه‌های قدرت روح القدس مانند تکلم به زبان‌ها،^۴ نبوت‌ها و پیشگویی‌ها، رؤیا، شفا، معجزات و نشانه‌ها و شگفتی‌های الهی برای مؤمنان امروز هم مورد انتظار است. در نتیجه، پنطیکاستی‌گرایی عنوانی است برای آن گونه از مسیحیت که ادعا می‌کند به دلیل تأکیدش بر تجربه توبه، رستگاری شخصی و تغییر زندگی ذیل قدرت روح القدس، از دیگر گونه‌های مسیحیت متمایز است (Omenyo 2014: ch. 7). به عبارتی، پنطیکاستی‌گرایی مدعی اشاره به سنت الهیاتی است که با بسیاری از سنت‌های

1 . Pentecostalism.

2 . Pentecost.

۳ . ۱: و چون روز پنطیکاست رسید، به يك دل در يك جا بودند. ۲: که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند، پر ساخت. ۳: و زبان‌های منقسم شده مثل زبان‌های آتش بدیشان ظاهر گشته بر هریکی از ایشان قرار گرفت. ۴: و همه از روح القدس پر گشته به زبان‌های مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.

4 . glossolalia.

دیگر مسیحی متفاوت است؛ زیرا انتخاب نام «پنطیکاستی» برای جنبش نشان‌دهنده ارتباط نزدیک با روز پنطیکاست است و الهیات پنطیکاستی ریشه در روز پنطیکاست دارد و پنطیکاستی‌ها معتقدند که در زمان کنونی نیز تداوم یا تکرار یا بسط آن تجربه اولیه روح‌القدس در دسترس است (Vondey 2017: 2).

اگر همه طرفداران جنبش‌های مختلف پنطیکاستی یا کاریزماتیک را با هم در نظر بگیریم، گروه حاصل می‌تواند، با حدود نیم میلیارد پیرو در سراسر جهان، بزرگ‌ترین جنبش مسیحی پروتستان در جهان باشد. تأکید بر «عطایای روح‌القدس»، تکلم به زبان‌ها، شفا، نبوت، و دیگر معجزات ماوراءالطبیعی، آموزه‌هایی هستند که مسیحیت پنطیکاستی یا کاریزماتیک را از سایر سنت‌های مسیحی متمایز می‌کند (Christerson, Brad; Flory 2017: 7). اما این جنبش به دلیل سیالیت و التقاط‌گرایی خود، دائم در حال تطور و دگرگونی بوده است و این امر، تنوع انشعابات و زیرشاخه‌های آن را در پی داشته است. این دگرگونی و تکثر پیوسته مانع از شکل‌گیری هویتی ثابت و تعریفی معین برای آن شده است. آلن اندرسون با استناد به تحقیقات سیسیل روبک^۱ بیان می‌کند که پنطیکاستی‌ها مشکل هویت خود را حل نکرده‌اند و در مورد عناصر شکل‌دهنده «پنطیکاستی» توافق ندارند. به دلیل تنوع زیاد در جنبش‌های پنطیکاستی و کاریزماتیک، یافتن برخی ویژگی‌های مشترک یا متمایزکننده‌ای که بتوان با آن تعریفی را برای این پدیده ارائه کرد، بسیار دشوار است؛ در واقع ما با گونه‌های مختلفی از پنطیکاستی‌گرایی مواجه هستیم (Anderson 2002: 40-41).

درباره ماهیت پنطیکاستی‌گرایی و فعالیت جنبش‌های وابسته به آن، در اغلب مناطق جهان، به‌ویژه غرب و قاره‌های جنوبی جهان، آفریقا و آمریکای لاتین، تحقیقات بسیاری صورت گرفته و آثار متعددی منتشر شده است که این روند همچنان تداوم دارد. اما در میان آثار مسیحیت‌شناسی به زبان فارسی، هنوز این پدیده مورد تحقیق جدی علمی قرار نگرفته؛ هرچند مطالبی پراکنده در فضای مجازی قابل دستیابی است. شاید

1. Cecil Robeck.

مهم‌ترین اثر در زبان فارسی کتاب درآمدی بر مسیحیت پنطیکاستی اثر زنده‌یاد یاسر ابوزاده‌گتابی باشد که در سال ۱۳۹۸ از سوی انتشارات تراث چاپ شد. این اثر مختصر ۱۴۶ صفحه‌ای، به معرفی پنطیکاستی پرداخته؛ لیکن بدون اشاره به جنبش‌ها یا انشعابات آن، و فقط متمرکز بر بررسی یکی از آموزه‌های این جنبش، یعنی تکلم به زبان‌هاست. البته قبل از آن، صادق‌نیا، دباغ و طاهری در مقاله «نقش باورهای آخ‌الزمانی پنطیکاستی مسیحیت در حمایت از اسرائیل»، (نشر یافته در فصلنامه علمی - پژوهشی موعود، شماره ۳۳، سال ۱۳۹۴) اشاره‌ای به انشعابات آن دارد که منظور بیشتر کلیساهای مربوط به پنطیکاستی کلاسیک است، نه جنبش‌های اصلی این پدیده.

بنابراین، تحقیق حاضر نخستین نوشتاری است که به تبیین جریان‌شناسانه این پدیده پرداخته است؛ به گونه‌ای که کلیه فرقه‌ها یا زیرجنبش‌های اصلی را که در پی دگرگونی‌های درونی این جنبش پدیدار شده‌اند، در یک سیر تاریخی، تبیین و تحلیل کرده است. در پرتو این گونه‌شناسی تاریخی، تحولات نگرشی و آموزه‌ای این جنبش آشکار شده است. از میان گونه‌شناسی‌های مختلفی که از سوی محققان، اعم از محققان وابسته به جنبش پنطیکاستی و پژوهشگران خارج از آن، ارائه شده‌اند، چهار گونه یا موج پنطیکاستی‌گرایی^۱ در سطح جهانی قابل شناسایی بوده که طبق سیر تاریخی مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱- جریان‌شناسی پنطیکاستی‌گرایی

۱-۱- سرآغاز پنطیکاستی‌گرایی: ۱۹۰۰

آغاز پنطیکاستی‌گرایی با ظهور روح‌القدس در دهه ۱۹۰۰ همراه بود که با نام چارلز پرهام^۲ مرتبط است. در اکتبر ۱۹۰۰ او و شاگردانش، به این نتیجه رسیدند که در کتاب مقدس، شواهدی واضح در موضوع تعمید توسط روح‌القدس وجود دارد که نشانه آن تکلم به زبان‌های دیگر است (Blumhofer 1989: 83-85). خانم اگنس‌ان. اوزمان

1 . Pentecostalism Waves.

2 . Charles Parham (1873-1929).

(لابرژ)^۱ که مایل بود آکنده از روح‌القدس شود، به واسطه دعای پرهام، تعمید روح‌القدس را دریافت نمود و در ۱ ژانویه ۱۹۰۱ به زبان‌های دیگر صحبت کرد و پرهام این واقعه را به‌عنوان شاهد اصلی نظریه خود پذیرفت. تجربه خانم اوزمان و اعتقاد پرهام مبنی بر اینکه تکلم به زبان‌های دیگر، شاهد و مدرکی بر دریافت غسل تعمید روح‌القدس است، برای پنطیکاستی کلاسیک به مثابه باوری حیاتی باقی مانده است. در هفته‌های بعد، تعداد بیشتری مدعی دریافت این شواهد اولیه شدند که نتیجه آن، ادعای بازگشت این موهبت‌ها از سوی خداوند به کلیسا بود (Hawkes 2009: 54).

ویلیام سیمور^۲ (با اصالت آفریقایی) که از سوی پرهام مأمور تبلیغ این ایده‌ها بود، همراه طرفدارانش کلیسای اسقفی متدیست آفریقایی^۳ در خیابان آزوسا^۴ را تبدیل به محلی برای شروع یک جنبش احیاگر مسیحی کردند (see: Atter 1962; Kendrick 1961). در آوریل ۱۹۰۶ آن‌ها ادعا کردند که روح‌القدس بر مؤمنان کلیسا نازل شده است. خبر این واقعه مثل باد منتشر شد و به لطف نشریات مختلف آن روز، شهرت بین‌المللی پیدا کرد. بدون شک خیابان آزوسا جرقه رشد جنبش پنطیکاستی را زد و شکل‌گیری هویت اولیه این جنبش تجدیدی، تنها هفت سال، ۱۹۰۶-۱۹۱۳، به طول انجامید. عطایای روح‌القدسی به کلیسا بازگردانده شده بود و در پرتو آن، اصلی‌ترین فرقه‌ای که از این احیا حاصل شد، جماعت ربانی^۵ در آوریل ۱۹۱۴ بود که در سال‌های بعدی به مثابه «بزرگ‌ترین، قوی‌ترین و مرفه‌ترین فرقه پنطیکاستی سفیدپوست در جهان» ظاهر شد (Blumhofer 1988: 23). این جماعت در ایالات متحده آمریکا از این اعتقاد حمایت کردند که تجربه تعمید روح‌القدس تابع و حاکی از نجات مؤمن است که شاهد نخستین و اصلی آن، صحبت کردن به زبان‌های دیگر خواهد بود. این باور به آموزه خاص و متمایز جماعت ربانی تبدیل شد.

1 . Agnes N. Ozman (LaBerge).

2 . William Seymour.

3 . African Methodist Episcopal (AME) Church.

4 . Azusa Street.

5 . Assemblies of God.

۱-۲- کاریزماگرایی دهه ۱۹۵۰

چند دهه پس از ظهور جنبش احیاگرانۀ پنطیکاستی، برخی از اعضا به‌وضوح از بازسازی و احیایی دیگر در آیندۀ پنطیکاستی صحبت می‌کردند. اما در این میان، دو نفر بودند که به‌طور مشخص، راه را برای ظهور موج دوم هموار کردند. این دو نفر، یکی دیوید دو پلسیس^۱ بود که در دهه ۱۹۵۰ ناظر جنبش جهانی بود و شروع به اشتراک‌گذاری تجربه پنطیکاستی با بسیاری از کلیساها و روحانیون فرقه‌ای کرد و دیگری دِموس شاکاریان^۲ بنیان‌گذار انجمن بین‌المللی تاجران انجیل کامل بود. دیوید دو پلسیس مدعی بود که وظیفه بزرگ اتحاد نه‌تنها پنطیکاستی‌های جهان، بلکه در نهایت کل مسیحیان جهان را بر عهده دارد (Harper 1965: 51). تعامل دیوید دو پلسیس با نیمی از نمایندگان کلیسای جهانی که هرگز پنطیکاستی را ندیده و تجربه و پیام آن را به دیده شکاکیت و تحقیر می‌نگریستند، زمینه تغییر ذهنیت و نگرش آن‌ها و در نهایت، تکریم و تحسین آن‌ها را موجب شد.

شاکاریان، تاجر پنطیکاستی از کالیفرنای جنوبی، با کمک اورال رابرتز،^۳ یک انجمن بین‌المللی غیرفرقه‌ای با نام «انجمن بین‌المللی تاجران انجیل کامل» را در میان مردم عادی تأسیس کرد. این انجمن از آغاز فعالیتش در سال ۱۹۵۳، ارتباط نزدیکی با جنبش پنطیکاستی کلاسیک داشت. تمرکز اصلی انجمن این بود که به مردم اجازه دهد تجربه منحصر به فرد خود از بشارت کامل را به اشتراک بگذارند، که شامل تکلم به زبان‌های دیگر، درک شفا، معجزات و رهایی بود. این کار در یک محیط غیررسمی از صبحانه‌های همراه با مراسم دعا و ناهار همراه با قرائت انجیل انجام شد (Shakarian 1986: 129). این عمل فرصت‌هایی را برای به اشتراک‌گذاری این‌گونه تبشیر به شیوه‌ای بسیار غیررسمی، خارج از کلیساهای پنطیکاستی فراهم کرد

1 . David Du Plessis.

2 . Demos Shakarian.

3 . Oral Roberts.

که نتیجه آن پیدایش آگاهی جدیدی به حقیقت پنطیکاستی در میان مردم عوام بود (Quebedeaux 1983: 132).

در پی فعالیت افراد متعهد به آموزه‌های پنطیکاستی در درون کلیساهای رسمی مسیحیت، جنبش کاریزماتیک به طور کامل در ۳ آوریل ۱۹۶۰ ظهور کرد؛ یعنی زمانی که افشا شد کشیش دنیس بنت^۱ از کلیسای اسقفی سنت مارک در کالیفرنیا به همراه همسرش غسل تعمید روح القدس را همراه با صحبت به زبان‌های دیگر دریافت کرده است (Burgess and McGee 1988: 133). چند سال بعد، این کلیسای کوچک به یکی از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین کلیساهای فرقه‌ای کاریزماتیک در منطقه شمال غربی آمریکا تبدیل شد (Moriarty 1992: 69-70).

علاوه بر این، هارالد بریدسن،^۲ کشیش اصلاح طلب کلیسایی که پس از دریافت تعمید روح القدس، پیام پنطیکاستی را به دانشگاه ییل برد، با این عملش منجر به احیای واقعی در بین دانشجویان و اساتید شد. در انگلستان، مایکل هارپر^۳ کشیش کلیسای انگلیکن «همه ارواح»^۴ این وظیفه را به عهده گرفت و کلیسا رشد خارق‌العاده‌ای را تجربه کرد. یک احیای کاریزماتیک نیز در کلیسای کاتولیک اتفاق افتاد که از دانشگاه دوکسن در پیتسبورگ شروع شد. پروفیسورهای این دانشگاه کتاب دیوید ویلکرسون^۵ با نام صلیب و خنجر^۶ و برخی نیز کتاب جان شریل^۷ با نام آن‌ها به زبان‌های دیگر صحبت می‌کنند^۸ را خوانده بودند. به زودی این جنبش به دانشگاه نوتردام، ایندیانا و سپس به دانشگاه آیووا گسترش یافت. بنابراین، پس از حدود سه

1 . Dennis Bennett.

2 . Harald Bredeesen.

3 . Michael Harper.

4 . All Souls.

5 . David Wilkerson.

6 . "The Cross and the Switchblade," By David Wilkerson, John Sherrill and Elizabeth Sherrill, Bernard Geis Associates in 1963.

7 . John Sherrill.

8 . They Speak with Other Tongues: A Skeptic Investigates This Life-Changing Gift.

سال، احتمالاً نزدیک به ده هزار کاتولیک وجود داشتند که توسط روح‌القدس، با شواهد اولیهٔ تکلم به زبان‌های دیگر، تعمید یافته بودند (*Burgess and McGee see: 1988: 134-5; Hummel 1993: 33*).

۱-۳- نوپنطیکاستی‌گرایی دههٔ ۱۹۷۰

موج سوم پنطیکاستی‌گرایی که از آن به جنبش نوپنطیکاستی یا بعضاً نوکاریزماتیک یاد می‌شود، در دههٔ ۱۹۷۰ و به نظر برخی دههٔ ۱۹۸۰ (*McClymond, 2014: 32*) پدیدار شد. اصطلاح «نوپنطیکاستی یا نوکاریزماتیک» به مؤمنانی اطلاق می‌شود که در شکل‌گیری کلیساهای و گروه‌های کاریزماتیک مستقل از کلیساهای رسمی مسیحیت، مشارکت داشتند. به دلیل جایگاه مهم آن در دین مسیحیت، برخی از این کلیساهای با عنوان کلیساهای «پارادایم جدید» یاد می‌کنند و کلیساهایی مانند وینیارد،^۱ کالواری^۲ و امید^۳ را در این دسته قرار می‌دهند (*Christerson and Flory, 2017: 8*).

فعالیت‌های تبشیری-فرقه‌ای دو فرد، یعنی پیتر واگنر،^۴ استاد تبشیر در مدرسهٔ دینی فولر و جان ویمبر،^۵ کشیش انجمن مسیحیان وینیارد در آناهم کالیفرنیا، منتج به ظهور جنبش نشانه‌ها و شگفتی‌ها یا جنبش وینیارد شد. جنبش نشانه‌ها و شگفتی‌ها در حدود سال ۱۹۸۰ مشهور شد و در سال ۱۹۸۳، اصطلاح موج سوم پنطیکاستی توسط پیتر واگنر برای آن ابداع شد.

۱-۴- آغاز هزارهٔ سوم و ظهور «جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای»

در آغاز سدهٔ بیست‌ویکم، شاهد ظهور موج چهارم پنطیکاستی‌گرایی هستیم که کریسترسون و فلوری آن را «مسیحیت کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای» نامیده و

1 . Vineyard.
2 . Calvary Chapel.
3 . Hope Chapel.
4 . C. Peter Wagner.
5 . John Wimber.

ریشه‌های آن را در جنبش‌های کلیسای کالواری^۱ و وینیارد، اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، و شخصیت جان ویمبر^۲، فردی که بسیاری از رهبران نخستین جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای با او ارتباط داشتند، شناسایی می‌کنند. مناقشاتی در درون جنبش وینیارد پدید آمد که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، به‌ویژه در مسئله ارتباط وینیارد با پیامبران کانزاس سیتی و جنبش برکت تورنتوی کانادا، به اوج خود رسید. این مناقشات زمینه خروج برخی از چهره‌های اصلی و پیشگام جنبش را فراهم کرد و ایده تأسیس کلیساهای فرقه‌های جدیدی را رقم زد. این رهبران یک شبکه آزادتر را تشکیل دادند که به آن‌ها امکان داد تا انجمن‌های خود را بدون محدودیت یا مسئولیت‌های مربوط به مدیریت گروه‌های کلیسایی تأسیس کنند. از جمله این رهبران می‌توان به پیترو واکنر^۳، بیل جانسون^۴، چه آن^۵ و مایک بیکل^۶ اشاره نمود که تلاش‌های خود را بر گسترش نفوذ شخصی از طریق این شبکه‌ها و استفاده از فناوری‌های رسانه‌ای جدید متمرکز کردند (see Christerson & Flory 2017: 18-26).

۲- موج‌های پنطیکاستی‌گرایی

پنطیکاستی‌گرایی از زمان آغازش در ابتدای سده بیستم، پیوسته گرفتار دگرگونی در آموزه‌ها و باورهایش بوده است و همین امر، مبنای انشعاب آن به جنبش‌ها یا موج‌های بعدی بوده است که تاکنون چهار موج اصلی آن قابل شناسایی بوده است. البته روشن است که

۱. کلیسای کالواری (Calvary Chapel) یک انجمن بین‌المللی از کلیساهای انجیلی کاریزماتیک است که ریشه در پنطیکاستی‌گرایی دارد. این انجمن که از سال ۱۹۶۵ در کالیفرنیا جنوبی پدیدار شد، تعدادی شبکه رادیویی در سرتاسر جهان دارد که مروج آموزه‌های تبشیری آن است.

۲. جان ویمبر (John Richard Wimber: 1934-1997) کشیش، نویسنده و موسیقی‌دان مسیحی آمریکایی است که در ابتدا به‌عنوان کشیش جنبش کواکر منصوب شد، سپس از کشیشان پیشگام در جماعت‌های کاریزماتیک شد. وی جزو محبوب‌ترین و سرشناس‌ترین متفکران در نشریات مسیحی مدرن بود که پیرامون روح‌القدس و تأثیر روح‌القدس در کلیساهای مدرن از طریق خلق پدیده‌های ماوراءالطبیعی که به آن‌ها معجزه یا نشانه‌ها و شگفتی‌ها گفته می‌شود، قلم‌فرسایی می‌کرد. ویمبر یکی از بنیان‌گذاران اصلی جنبش وینیارد بود.

3. C. Peter Wagner.

4. Bill Johnson.

5. Che Ahn.

6. Mike Bickle.

هرکدام از این موج‌ها، در درون خود دارای انشعابات فرعی و جزئی‌تری نیز هستند.

۲-۱. پنطیکاستی کلاسیک

در آغاز قرن بیستم، جنبش پنطیکاستی در هاله‌ای از ابهام ظهور نمود؛ اما به سرعت رشد کرد (See: Wacker 1987: 16-21; Robins 1980: 885-891)؛ سرعت رشد این پدیده به گونه‌ای بوده که برخی از نویسندگان اظهار داشته‌اند: فعالیت‌ها و سنت‌های پنطیکاستی «چهره مسیحیت را در سراسر جهان تغییر داده و عصر جدیدی از معنویت مسیحی را آغاز کرده است» (Spittler 1988: 135-154; Cox 1995). منتقدان نخستین این جنبش، آن را «جنبش زبان‌ها»^۱ نامیدند؛ اما انتخاب این عنوان به معنای تقلیل آن به یکی از جنبه‌های باور اصلی جنبش بود که به مرور و با ظهور شاخه‌های جدیدتر از دورن این جنبش، عنوان پنطیکاستی کلاسیک برای آن رایج شد.

• آموزه پنج بشارت

از نظر الهیاتی، جنبش پنطیکاستی کلاسیک، از جنبش‌های تقدیس کسویک و وِسلِیان^۲ پدید آمد (Bruner 1982: 35-55). پنطیکاستی‌های نخستین به پنج بشارت معترف بودند:

۱. حقانیت و درستی ایمان مسیحی^۳؛

۲. تقدیس^۴؛

۳. غسل تعمید در روح القدس^۵؛

۴. شفا^۶؛

۵. بازگشت قریب‌الوقوع مسیح^۷.

1 . Tongues Movement.

2 . Wesleyan- Keswick holiness Movement.

3 . justification.

4 . sanctification.

5 . baptism in the Holy Spirit.

6 . healing.

7 . the imminent return of Christ.

آن‌ها دیدگاه کامل و محکمی از کتاب مقدس داشتند که تبدیل به اعتقاد راسخ جنبش‌های کلاسیک «جماعت ربانی» شد. آن‌ها اعلام کردند که «کتاب مقدس یگانه قانون صالح برای ایمان و عمل ماست»؛ و این حاکمیت مشروع کتاب مقدس باید فراتر از کلیسا، به زندگی شخصی مؤمن نیز گسترش یابد (Burgess & McGee 1988: 380-381).

اکثر گروه‌های پنتیکاستی کلاسیک به آموزه تثلیث اعتقاد دارند؛ اما در همان دهه‌های آغازین سده بیستم، جریان‌ی در درون جنبش، این آموزه را مورد مناقشه قرار داد که به پنتیکاستی‌های توحیدگرا یا مسیحیان غیرتثلیث‌گرا معروف شدند که به الهیات توحیدی در مورد خدا اعتقاد دارند (see: French 1999; Anderson 2004: 47). در باب کتاب مقدس، پنتیکاستی‌های کلاسیک، عموماً معتقدند که کتاب مقدس الهام الهی بوده و از صفت خطاناپذیری^۱ برخوردار است و اینکه کتاب مقدس، محفوظ در نسخه‌های خطی اصلی‌اش، بدون خطاست (Duffield & Van Cleave 1983: 15-17). از آموزه‌های محوری پنتیکاستی، تولد دوباره^۲ فرد است (ibid: 230-1)؛ با این تولد مجدد که از طریق ایمان به مسیح به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده صورت می‌پذیرد (ibid: 232)، ایمان مؤمن تصدیق شده، در خانواده خدا پذیرفته شده و کار تقدیس روح القدس آغاز می‌شود (ibid: 233-4).

۲-۲. جنبش کاریزماتیک

موج دوم پنتیکاستی‌گرایی که در اواسط قرن بیستم توسعه یافت. در ابتدا غالباً با عنوان جنبش نوکاریزماتیک یا بعضاً نوپنتیکاستی‌گرایی^۳ شناخته شد (Parker 1996: 207-8)؛ ولی باید درک نمود که جنبش یا موج کاریزماتیک، غیر از نوپنتیکاستی‌گرایی است که موج مستقل بعدی محسوب می‌شود. در واقع، موج کاریزماتیک حاکی از

1 . Inerrancy.

2 . born again.

3 . Charismatic Renewal or Neo-Pentecostalism.

نفوذ ایده‌های پنطیکاستی، به‌ویژه تجربه تعمید توسط روح القدس و تکلم به زبان‌ها، به فرقه‌های اصلی مسیحیت مانند کلیساهای کاتولیک و نیز قشر دانشگاهیان بود. نخستین تحركات ریشه‌های تاریخی موج دوم، به قبل از سال ۱۹۶۰ بازمی‌گردد؛ یعنی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ که بسیاری از فرقه‌های اصلی جذب آموزه تعمید روح القدس شدند. در این دوران، ایده احیاگرایی و تجدید کاریزمایی به‌آرامی، اما به‌گونه‌ای اطمینان‌بخش، در حال نفوذ در آموزه‌های فرقه‌های اصلی مسیحیت بود (Burgess and McGee 1988: 130).

به عبارت دیگر، اصطلاح کاریزماتیک برای توصیف مؤمنان باقی‌مانده در کلیساهای اصلی مذاهب مسیحی و نیز کلیساهای مستقلی است که آموزه جنبش پنطیکاستی درباره عطایای روح القدس را پذیرفتند. این جنبش در دوره پس از جنگ جهانی دوم، به سرعت رشد کرد و در نهایت توانست اقلیت‌های قابل‌توجهی از پروتستان‌های انجیلی (۲۳ درصد)، پروتستان‌های اصلی (۹ درصد)، کاتولیک‌های رومی (۱۳ درصد) و پروتستان‌های سیاه‌پوست (۳۶ درصد) را جذب کند (Christerson and Flory 2017: 7-8). برخی از محققان به این کاریزماتیک‌ها به‌عنوان «موج دوم» پنطیکاستی اشاره می‌کنند؛ زیرا آن‌ها پس از جنگ جهانی دوم، مدت‌ها پس از ایجاد فرقه‌های موج اول، یعنی پنطیکاستی کلاسیک، ظهور کردند (Christerson and Flory 2017: 8).

• کاریزمای غسل تعمید روح القدس

در موج دوم که در واقع، نفوذ جنبه‌های کاریزمایی پنجاه‌گرایی به دیگر مذاهب اصلی مسیحیت است، آموزه تکلم به زبان‌های دیگر و تفسیر هدفمند آن و تمرکز بیشتر بر عطایا و موهبت‌های روح القدس محوریت پیدا می‌کند. کلیساهای سنتی - تاریخی، یعنی کلیساهای کاتولیک، ارتدوکس، انگلیکن و لوتری، معتقد بودند که هدایا و عطایای الهی و روح القدسی، مانند تکلم به زبان‌ها، فقط برای نخستین مسیحیان در دسترس بود و این امر یک شروع برای برپایی کلیسا بود که پس از

شکل‌گیری کلیسا متوقف شد.^۱ در زمان فعلی نیز این عطایا فقط از طریق آیین‌های مقدسی که توسط کلیساهای اداره می‌شوند، به انسان‌ها داده می‌شوند، و این دیدگاه رسمی آن‌ها بود. وینسون سینان در این باره می‌نویسد:

برای بیش از پنجاه سال، صدها کشیش و هزاران شخص غیرکشیش در کلیساهای سنتی وجود داشتند که تجربه پنطیکاستی را دریافت کرده و به زبان‌ها صحبت کردند. در این مدت این پنطیکاستی‌های جدید تنها دو گزینه داشتند: یا در مورد تجربه خود سکوت کنند یا بپذیرند که از کلیساهای خود رانده شوند (Synan 1997: 226).

اما در دهه ۱۹۶۰ این وضعیت در شرف تغییر بود؛ این دگرگونی هنگامی شروع شد که در کلیسای اسقفی در ایالات متحده، چندین روحانی تجربه پنطیکاستی و تکلم به زبان‌های خود را فاش کردند. طغیان تجربه تکلم به زبان‌های دیگر باعث شد که کلیساهای رسمی مشروعیت غسل تعمید روح القدس را به رسمیت بشناسد. به این ترتیب، جنبش کاریزماتیک به سایر کلیساهای پروتستانی نیز سرایت کرد. یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که در قرن بیستم رخ داد، برگزاری دومین شورای واتیکان (۱۹۶۲-۱۹۶۵) بود که درهای کلیسای کاتولیک را به طور بنیادی به روی روابط جهانی گشود. در سال ۱۹۶۷ گروهی از روشنفکران کاتولیک، غسل تعمید روح القدس را دریافت کردند. این واقعه، پای جنبش کاریزماتیک را در کلیساهای کاتولیک نیز باز کرد؛ به گونه‌ای که تا سال ۱۹۷۶ حدود سیصد هزار کاتولیک مدعی دریافت تجربه غسل تعمید روح القدس بودند (Anderson 2004: 151). این جنبش در میان طرفداران عطایای کاریزماتیک در مذهب کاتولیک به سرعت در سایر نقاط جهان گسترش یافت و امروزه با حدود ۱۲۰ میلیون طرفدار، یک نیروی اصلی در کلیسای کاتولیک محسوب می‌شود. همچنین از نظر الهیات، کلیسای کاتولیک ضمن تصدیق جایگاه آموزه‌های عطایای الهی و تجربه تعمید در روح القدس در سنت کاتولیک، این

۱. این دیدگاه معروف به «توقف‌گرایی: Cessationism» است.

جنبش را جدی گرفت (see Hollenweger 1997: 153-154; Synan 1997: ch. 12; Anderson 2004: 150-152).

بنابراین، جنبش کاریزماتیک که در دهه ۱۹۶۰ در کلیساهای پروتستان و کاتولیک رومی گسترش یافت، تأکید زیادی بر قدرت روح القدس داشت، که در شور و نشاط عبادی و آزادی از محدودیت‌های عبادات تجویزی تجلی یافت. آن‌ها همچنین اهمیت قابل توجهی به عطایای روح القدس، به‌ویژه دو آموزه شفا و تکلم به زبان‌های دیگر، می‌دادند. مستند آن‌ها در مشروعیت این آموزه‌ها عباراتی از فصل دوازدهم کتاب اول قرن‌تین است.^۱ جنبش کاریزماتیک تأثیر قابل توجهی بر رشد جنبش‌های دینی نوپدید بنیادگرایانه مانند ارتش مسیح^۲ داشت. این جنبش به‌رغم ایجاد بحث‌های چالشی در محافل مسیحی، با شکل‌گیری جریان «برکت تورنتو»^۳ در سال ۱۹۹۴ شتاب جدیدی در توسعه خود به دست آورد (Chryssides 2012: 69-70) که خود حکایت از موفقیت نفوذ آموزه‌های پنطیکاستی‌گرایی در درون کلیساهای رسمی داشت.

۲-۳. جنبش نوپنطیکاستی یا نوکاریزماتیک

برای درک درست از «موج سوم» جنبش پنطیکاستی، شناخت افکار پیتر واگنر ضروری است. واگنر مدعی است که در قرن حاضر ما شاهد سه نزول منحصر به فرد روح القدس بوده‌ایم که وی آن‌ها را به نشانه سه موج می‌شناسد و منظورش سه موج اصلی جنبش‌های پنطیکاستی یا کاریزماتیک در قرن بیستم است. موج اول جنبش احیای

۱. اول قرن‌تین، ۱۲: ۴-۱۱، ۴: و نعمت‌ها انواع است، ولی روح همان، ۵: و خدمت‌ها انواع است، اما سرور همان.
۶: و عمل‌ها انواع است؛ لکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند. ۷: ولی هرکس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود. ۸: زیرا یکی را به وساطت روح کلام حکمت داده می‌شود و دیگری را کلام علم به‌حسب همان روح.
۹: و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمت‌های شفا دادن به همان روح. ۱۰: و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبان‌ها و دیگری را ترجمه زبان‌ها. ۱۱: لکن در جمیع این‌ها همان یک روح فاعل است که هرکس را فرداً به‌حسب اراده خود تقسیم می‌کند.

2 . Jesus Army.

3 . Toronto Blessing.

خیابان آزوسا در سال ۱۹۰۶ در سانفرانسیسکو و موج دوم نزول عطایای روح‌القدس ابتدا در دهه ۱۹۵۰ به دیوید دوپلیسیس و دیموس شاکاریان و بار دیگر در سال ۱۹۶۰ که از سوی اورال رابرتز به صورت کامل دریافت شد. در نهایت، موج سوم از سوی انجمن مسیحیان وینیارد در سال ۱۹۸۳ مطرح شد. انجمن مسیحیان وینیارد با تأکید شدید بر نشانه‌ها و شگفتی‌ها، که حاصل تبشیر جان ویمبر و پیترواگنر بود، به هسته اصلی موج سوم پنطیکاستی‌گرایی تبدیل شد. الهیات موج سوم همان توسعه افکار پیترواگنر، متخصص نظریه‌های رشد کلیسا بود. او کتاب «موج سوم روح‌القدس: مواجهه با قدرت نشانه‌ها و شگفتی‌های امروز»^۱ را نوشت که از دهه ۱۹۸۰ تبدیل به اساس آموزه‌های موج سوم جنبش پنطیکاستی شده است (Wagner 1988: 61-3).

• الهیات رفاه

نوپنطیکاستی‌ها با پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌های کلاسیک در تأکید بر قدرت روح‌القدس، غسل تعمید روح‌القدس و عطایای معنوی مانند تکلم به زبان‌ها، پیشگویی‌ها و شفا مشترک هستند؛ اما نوآوری خاص این جنبش در برجستگی به اصطلاح انجیل یا پیام سعادت یا رفاه^۲ و قدرت ادعایی روح‌القدس در فراهم کردن سلامت و ثروت^۳ خارق‌العاده برای مؤمنان نهفته است (Butticci 2020, vol. 2: 531). ترسیم‌کننده اصلی آموزه‌های «موج سوم» جنبش پنطیکاستی به لحاظ نظری، پیترواگنر و آثار وی است. واگنر برای عملی نمودن نظریه خودش درباره توسعه کلیسا، کتاب موج سوم روح‌القدس: مواجهه با قدرت نشانه‌ها و شگفتی‌های امروز^۴ را نوشت که از دهه ۱۹۸۰ به بعد، تقریباً تبدیل به اساس نامه آموزه‌های موج سوم جنبش پنطیکاستی شد. تز کتاب مذکور دو سطحی است: اول آخرالزمانی و دوم آخرت‌شناسانه.

1 . Wagner C. Peter (1988), The Third Wave of the Holy Spirit: Encountering the Power of Signs and Wonders Today.

2 . prosperity gospel.

3 . health and wealth.

4 . Wagner C. Peter (1988), The Third Wave of the Holy Spirit: Encountering the Power of Signs and Wonders Today.

بنابراین، موج سوم جنبش پنتیکاستی بر این باور است که دوران ما همان آخرالزمان است و ظهور دوم مسیح در نسل حاضر قریب‌الوقوع است. این نگاه وی مبتنی بر تأکید بر گسترش حقیقت پنتیکاستی به درون همه فرقه‌هاست و برای این منظور، الهیات پنتیکاستی کلاسیک را تغییر داد تا آن را، به‌ویژه برای اقشار ضعیف جامعه، دلپذیرتر و ذائقه‌پسندتر کند.

به همان اندازه که واگنر به لحاظ نظری بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری موج سوم داشت، در بُعد عملی، این جنبش مدیون فعالیت‌های جان ویمبر است. در واقع، گرچه شروع کار کلیسای وینیارد به سال ۱۹۷۸ بر می‌گردد، ولی شکل و ماهیت جنبش موج سوم در سال ۱۹۸۲ در کلاسی که جان ویمبر با کمک پیترواگنر تدریس می‌کرد، برجسته شد. ویمبر ادعای جسورانه‌ای داشت مبنی بر اینکه معجزات عیسی و حواریون را می‌توان و باید امروز اجرایی نمود. ویمبر این قدرت را بشارت‌گرایی/انجیل‌گرایی^۱ نامید. به باور وی، عصر معجزه هرگز متوقف نشده است. او کتابی به نام بشارت قدرت^۲ نوشت که مفهوم قدرت ملکوت و سلطنت الهی و رابطه آن با بشارت را تبیین می‌کند. به ادعای وی، کتاب بشارت قدرت، تقریری عقلانی از انجیل یا بشارت است که از عقلانیت فراتر می‌رود. بشارت کار فردی است که با قدرت خدا از طریق نشانه‌ها و شگفتی‌ها یاری شده است. بشارت قدرت، بشارت مبتنی بر ظهور براهین و نشانه‌های فراطبیعی حضور خدا در میان مؤمنان است. با خدمات تبلیغی بسیار قدرتمند وی کلیسای وینیارد،^۳ به سرعت تبدیل به انجمنی با بیش از ۶۰۰ کلیسا در سراسر جهان شد که نام آن، انجمن کلیساهای وینیارد^۴ است.

ظاهراً ایده واگنر و ویمبر مبنی بر دلپذیر و ذائقه‌پسند نمودن الهیات پنتیکاستی،

1 . Evangelism.

2 . Wimber, John (1986), *Power Evangelism*, San Francisco, Calif.: Harper & Row Publishers.

3 . Wimber's Vineyard.

4 . Association of the Vineyard Churches.

راه را بر عرفی‌سازی بیشتر آن هموار کرد. در تورنتوی کانادا، کلیسای وینیاردی شکل گرفت که در آن مردم با این ادعا که مورد عنایت و لمس روح‌القدس قرار گرفته‌اند، شروع به خندیدن و غلطیدن بر روی زمین می‌کردند. این کلیسای رقیبی جدی برای مجموعه آن‌ها بود (Hawkes 2009: 117). تلاش ویمبر برای متوقف کردن کلیسای وینیارد تورنتو نتیجه‌ای نداشت؛ آن‌ها به‌سادگی انجمن کلیساهای وینیارد خاص خود را تشکیل دادند. این دو گروه، یعنی پیامبران کانزاس سیتی که مدعی پیشگویی وقایع آینده بودند و اعلام کردند که عیسی در این نسل بازخواهد گشت، و کلیسای وینیارد تورنتو که مدعی تجلی منحصر به فرد نشانه‌ها و شگفتی‌های قدرت الهی بود، مشکلات بزرگی را برای انجمن کلیساهای وینیارد ویمبر ایجاد کرد. با توجه به واقعیت تاریخی، دوره‌گذار و انتقال از یک فرقه به یک کلیسا یا مذهب، نیازمند سپری شدن یک یا دو نسل پس از مرگ بنیان‌گذار آن فرقه است؛ اما ویمبر چند سال قبل از مرگش برداشتش این بود که بهتر است به سوی مذهب شدن حرکت کند. در راستای عملی کردن آن، وی ضرورت برداشتن برخی موانع که رهبران جدید رسولی از آن وحشت داشتند را آغاز کرد (Wagner 1999: 137). بنابراین، در پی تلاش‌های وی، انجمن کلیساهای وینیارد، یکی از نمونه‌های اولیه کلیساهای اصلاحات حواری جدید در ایالات متحده بود که توانست در نسل اول، خود را یک مذهب اعلام کند.

۴-۲. جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای

شبکه مسیحیت کاریزماتیک مستقل یا مسیحیت کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای^۱ که موج چهارم پنتیکاستی نیز خوانده می‌شود، جنبشی در درون مسیحیت کاریزماتیک انجیلی است که بر اقتدار رسولان کاریزماتیک متمرکز است و به دنبال دگرگونی کلی جامعه است. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ توسط جامعه‌شناسان، براد کریسترسون و ریچارد فلوری در کتاب ظهور مسیحیت شبکه‌ای: رهبران مستقل

1. Independent Network Charismatic (INC) Christianity.

چگونه چشم‌انداز دینی را تغییر می‌دهند^۱ برای توصیف رشد سریع نوعی از مسیحیت پروتستان از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ استفاده شد و از آن زمان به بعد، از سوی محققان دیگر پذیرفته شد.

این جنبش با استفاده از حکومت شبکه‌ای، براساس شبکه‌های رسولان کاریزماتیک، به جای ساختارها و سلسله‌مراتب سنتی کلیسا، از دیگر اشکال مسیحیت متمایز می‌شود. این شبکه‌ها با استفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید، مانند رسانه‌های اجتماعی، که هم ارتباط بین رهبران در شبکه را تسهیل می‌کند و هم رهبران را قادر می‌سازد تا پیروانی از سراسر جغرافیای جهانی فراهم آورند، حفظ می‌شوند. این امر با اعتقاد و تشویق به استفاده از مواهب و عطایای ماوراءالطبیعی روح القدس، همراه با تمرکز بر تغییر جامعه مطابق با ارزش‌های مسیحی از طریق دعا و رسیدن مسیحیان به جایگاه رهبری جهان در زمینه‌های تجارت، حکومت، رسانه، هنر و سرگرمی، آموزش، خانواده و دین مشخص می‌شود. جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای، از نظر سیاسی محافظه‌کار بوده که در ایالات متحده آمریکا با حمایت از سیاستمداران حزب جمهوری خواه همراه است.

• سلطنت‌گرایی و تسلط بر هفت حوزه زندگی

یکی از ایده‌هایی که در موج سوم، یعنی جنبش نوپنطیکاستی جوانه زد، سلطنت‌گرایی بود که در موج چهارم تبدیل به ایده محوری شد. طبق این آموزه، سلطنت زمینی مسیح از طریق گروهی از شاگردان نخبه و به رهبری ابرحواریون که اقتدارشان از رسولان قرن اول نیز فراتر خواهد رفت، اعمال خواهد شد. بنابراین، لازم است که کلیسا به دنبال تأثیرگذاری بر هر «هفت حوزه» زندگی بشر، یعنی تجارت، حکومت، رسانه، هنر و سرگرمی، آموزش، خانواده و دین باشد (McCllymond 2014: 43). در راستای تحقق این هدف، عرفی‌سازی و ترویج عمومی آموزه‌های پنطیکاستی ضروری است. درست به همین دلیل است که رهبران و سازمان‌های وابسته به جنبش

1. Christerson, Brad; Flory, Richard (2017), The Rise of Network Christianity: How Independent Leaders Are Changing the Religious Landscape, Oxford: Oxford University Press.

کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای، ضمن ادعای دریافت مداوم عطایای روح القدس مانند شفای فراطبیعی، معجزات، پیشگویی و تکلم به زبان‌ها (Smith 2018)، عامه مردم را به دریافت این عطایا تشویق می‌کنند. طبق تبلیغات این جنبش، فعالیت ماوراءالطبیعی، به رهبران کاریزماتیک محدود نمی‌شود. مدارس مانند «مدرسه خدمت ماوراءالطبیعی بتل»^۱ به شاگردان خود می‌آموزند که خودشان درک و دریافت هدایای ماوراءالطبیعی روح القدس را تمرین کرده و از آن‌ها در جامعه استفاده کنند. کریسترسون و فلوری استدلال می‌کنند که وعده تجربه مستقیم امور ماوراءالطبیعی برای جوانان جذاب بوده و برای مشارکت آن‌ها در سازمان‌های تابعه جنبش، بسیار تأثیرگذار است (Christerson & Flory 2017: 84-86). داوریتی^۲ از دیگر محققان این حوزه، خاطرنشان می‌کند که اعتقادات و اعمال کاریزماتیک «خانه بین‌المللی دعا»، از کلیساهای وابسته به جنبش کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای، همراه با دسترسی آنلاین به محتوای آن، آن را به‌ویژه برای هزاره‌گرایان جذاب کرده است (Daugherty 2018: 65-66).

علاوه بر اعتقاد به هدایای ماوراءالطبیعی روح القدس، یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده این جنبش، اعتقاد به دگرگونی اجتماعی است. برخلاف پنطیکاستی‌گرایی کلاسیک، که امید چندانی به برپایی عدالت اجتماعی در این جهان ندارد و در نتیجه تلاش‌های خود را بر بشارت و شاگردپروری متمرکز می‌کند، بسیاری از گروه‌های وابسته به جنبش مسیحیت کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای معتقدند که بهشت را می‌توان از طریق عمل مسیحیان بر روی زمین ساخت (Christerson & Flory 2017: 92). این تعهد به تغییر اجتماعی، تمایل باورمندان به این جنبش برای کسب رهبری در هفت حوزه اصلی مؤثر بر فرهنگ را تقویت می‌کند که عبارت‌اند از: تجارت، دولت، رسانه، هنر و سرگرمی، آموزش، خانواده و مذهب (Ostling 2017). هدف از این

1 . Bethel School of Supernatural Service.

2 . Dyron B. Daugherty.

آموزه، ایجاد یک «نظام تراوشی مؤثر»^۱ است که به موجب آن، ارزش‌های مسیحیانی که موفق به فتح این حوزه‌ها می‌شوند، در نهایت بر کل جامعه آمریکایی و جهانی تأثیر می‌گذارد (Daughtrity 2018: 66).

این جنبش از نظر سیاسی محافظه‌کار است و در ایالات متحده از حزب جمهوری خواه و نامزدهای انتخاباتی آن حمایت می‌کند. در سال ۲۰۱۶، مایک بیکل از پیشنهاد تد کروز برای نامزدی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرد و لنس والنائو،^۲ یکی دیگر از رهبران جنبش، از نامزدی دونالد ترامپ برای ریاست جمهوری حمایت کرد. فیلسوف جیمز اسمیت بر این باور است که طرز تفکر مذهبی ارائه شده توسط جنبش، مبنی بر احترام به رهبران قدرتمند و کاریزماتیک، می‌تواند تا حدی توضیح‌دهنده رشد پوپولیسمی باشد که به انتخاب دونالد ترامپ منجر شد (Smith, 2018). ریچارد اوستلینگ نیز معتقد است که حمایت جنبش از دونالد ترامپ، که برخی از آن‌ها وی را فردی خارجی مسح شده از سوی خداوند در قالب پادشاه کوروش می‌دانند، سزاوار بررسی بیشتر است (Ostling 2017). متیو رولی^۳ مورخ بیان می‌کند که رهبران جنبش «مستقیماً بر رئیس‌جمهور ترامپ تأثیر گذاشتند» (Rowley 2021: 147).

به طور خلاصه، گروه‌ها و رهبرانی که در این جنبش فعالیت دارند، در دسته نوکاریزماتیک یا نوپنطیکاستی قرار می‌گیرند؛ اما از جنبه‌هایی با آن متفاوت هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. این‌ها به دنبال ایجاد یک «جنبش» یا ایجاد جماعت وابسته معین ذیل یک نام خاص نیستند.

۲. این‌ها اساساً بر ساختن جامعه بسته به معنای سنتی متمرکز نیستند؛ بلکه بیشتر

۱. «trickle-down effect»: این نظریه مدعی است که کمک دولت یا مردم به نهادهای بزرگ دینی و اجتماعی، در اینجا مثلاً کمک به جنبش مد نظر، در نهایت موجب بهره‌مندی طبقات پایین جامعه نیز خواهد شد.

2. Lance Wallnau.

3. Matthew Rowley.

به دنبال تأثیرگذاری بر اعتقادات و اعمال مؤمنان، بدون توجه به گروه اجتماعی یا وابستگی آن‌ها هستند.

۳. این‌ها به جای نجات جان افراد و ساختن کلیسا، به دنبال تغییر جامعه به‌عنوان یک کل هستند.

۴. رهبران و کشیشان مختلف فعال در این دسته، به جای اینکه به طور رسمی ذیل یک «جنبش» یا «مذهب» خاص سازماندهی شوند، به‌شدت از طریق شبکه‌های همکاری، با هم مرتبط هستند (Christerson & Flory 2017: 8).

۳. تحلیل مقایسه‌ای

جنبش پنطیکاستی کلاسیک، با ورود فرقه‌ها و موج‌های جدیدتر تضعیف شده و آموزه‌های آن نیز در موج‌های بعدی، گرفتار تغییر و دگرگونی شد؛ از جمله از میان بشارت‌های پنج‌گانه نخستین در انشعابات بعدی، عملاً آنچه که مورد توجه بود، سه عنصر تغییر آیین، تقدیس کامل و غسل تعمید توسط روح القدس بود که آن نیز، در دوره‌های بعدی، به‌سادگی تبدیل به دو مرحله شد؛ زیرا تغییر آیین با تقدیس ادغام شده و به مثابه تجربه اولیه «تولد دوباره»^۱ خوانده شد که در کنار غسل تعمید توسط روح القدس، به‌عنوان دو بشارت اصلی باقی ماندند (Burgess & McGee 1988: 378-9).

همچنین در دو دهه اخیر، بحث‌های متنوعی پیرامون روش‌های تفسیری مورد استفاده پنطیکاستی‌های نخستین، شکل گرفته است. از محورهای مهم این بحث‌های جدید، رابطه طرفینی تجربه و تفسیر بوده است. منتقدان به این نکته اشاره کرده‌اند که تجربه نمی‌تواند نقطه شروع تفسیر باشد؛ زیرا این امر قطعاً به غصب اقتدار کتاب مقدس منجر خواهد شد (Burgess & McGee 1988: 384-5).

اخيراً بحث‌هایی نیز بر سر آموزه تبعیت، به این معنا که تجربه تعمید روح القدس تابع نجات مؤمن بوده و شاهد این تجربه نیز تکلم به زبان‌هاست، در محافل

1 . Born Again.

دانشگاهی مطرح شده است. برخی از الهی‌دانان مانند کلارک پینوک و جی آزبورن همراه با گوردون فی^۱، از تجربه پنطیکاستی، بدون ضرورت تکلم به زبان‌های دیگر به مثابه شاهی بر ایمان فرد، به عنوان یک تجربه معتبر برای مؤمنان دفاع کرده‌اند؛ زیرا از نظر آن‌ها مطالب مطرح شده در اعمال رسولان، روایت صرف [غیرتاریخی] هستند. با این حال، راجر استرونستاد، همراه با هاوارد مارشال و مارتین هنگل^۲، در مقابل، استدلال کرده‌اند که گونه اعمال رسولان، روایت تاریخی است. بنابراین، این گونه و دیگر مطالب این‌چنینی، می‌توانند منبعی معتبر برای استنباط آموزه‌ها قرار گیرند. به هر حال، این موج نخست روح‌القدس‌گرایی با تمام مباحثی که در پی داشته است، منجر به ایجاد جنبش‌های تبلیغی بسیار قوی در سراسر جهان شد (Pinnock 1971: 6-9).

در دهه ۱۹۵۰، به رغم نقدهایی که بر پنطیکاستی‌گرایی می‌شد، برخی از آموزه‌های آن به دلیل جذابیت آن‌ها برای عموم مردم، مورد توجه دیگر مذاهب مسیحیت قرار گرفت و زمینه نفوذ آن به بدنه اصلی مسیحیت فراهم شد. موج دوم در حقیقت نفوذ کاریزماتیک‌گرایی، به‌ویژه با نگاه پنطیکاستی، به درون کلیساهای سنتی و رسمی مسیحیت بود. طرفداران ایده‌های کاریزماتیک که دارای طیف گسترده‌ای از پیشینه‌های الهیاتی بودند، می‌خواستند ضمن حفظ این ایده‌ها، در کلیساهای سنتی خود باقی بمانند؛ همان‌گونه که پنطیکاستی‌های کلاسیک در زمان خود مایل بودند در کلیساهای خود بمانند، اما به دلیل مخالفت بسیار جدی از سوی کلیساهای خود که تحت نظر جریان اصلی مسیحیت بودند، موفق به انجام این کار نشدند. با این حال، پس از گذشت شصت سال، نگرش عمومی و کلیسا به جنبش‌های پنطیکاستی منعطف‌تر و پذیراتر شده بود. بنابراین، وابستگان به جنبش‌های کاریزماتیک، درحالی‌که در فرقه‌ها و کلیساهای اصلی خود باقی مانده بودند، در پی تأیید الهیات

1 . Clark Pinnock; G. Osborne; Gordon Fee.

2 . Roger Stronstad; I. Howard Marshall; Martin Hengel.

پنطیکاستی بودند. آن‌ها کوشیدند وجهه کاریزمایی پنطیکاستی را با ودیعه الهیاتی سنت فرقه‌های سنتی خود وفق دهند (Burgess and McGee 1988: 379).

این تلاش برای تلفیق آموزه‌های پنطیکاستی با عقاید نهادینه مسیحیت، موضوع تعیین و تشخیص پیش‌فرض‌های هرمنوتیکی آن‌ها را که از بسیاری جهات مختص فرقه خودشان و متفاوت از دیگران بوده، بسیار دشوار می‌کند. مارک مک‌لین^۱ در این رابطه بیان می‌کند: گرایش در گروه‌های کاریزماتیک وجود دارد که منابع رسمی را به نفع «مکاشفات تازه و معتبر» روح‌القدس کنار بگذارند؛ این گرایش سرآغاز ظهور تفسیرهای کاریزماتیک بوده که در آن کتاب مقدس تابع و منکوب مکاشفه‌های شخصی می‌شود (McLean 1984: 35). این همان ویژگی است که در امواج بعدی روح‌القدس‌گرایی بیشتر توسعه می‌یابد.

موج سوم که با محوریت «انجمن مسیحیان وینیارد» و تلاش‌های تبشیری جان ویمبر و پتر واگنر، در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، جوامع فقیر، به‌ویژه آفریقا و آمریکای جنوبی را هدف قرار داد. به همین دلیل است که جنبش‌های نوپنطیکاستی فعال در جنوب جهان، به‌ویژه آفریقا و آمریکای لاتین، جزو جنبش‌هایی محسوب می‌شوند که سریع‌ترین رشد را در دهه‌های اخیر داشته‌اند. طبق پایگاه داده مسیحیان جهان، در آغاز قرن بیستم، کمتر از یک میلیون نوپنطیکاستی در سراسر جهان وجود داشت که این تعداد تا سال ۲۰۰۰ به ۶۹۸،۰۰۰، ۴۶۰ نفر افزایش یافته است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۵ از ۷۹۵ میلیون نفر فراتر رود. رشد و گسترش نوپنطیکاستی‌ها به‌ویژه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، قابل توجه بوده است. با این حال، یک روند جالب در میان کلیساهای نوپنطیکاستی جهان جنوب این است که آن‌ها به آرامی در حال بازتعریف پنطیکاستی اروپایی و آمریکای شمالی متناسب با محیط خود هستند (Butticci 2020, vol. 2: 531) که بحث‌های التقاط‌گرایی دینی و تحریف آموزه‌های اصلی مسیحیت را به دنبال داشته است.

1 . Mark McLean.

نوپنطیکاستی‌ها به‌رغم داشتن وجوه اشتراک با پنطیکاستی‌های کلاسیک، تفاوت‌های نیز در آموزه‌های خود دارند. یکی از تفاوت‌های الهیاتی دربارهٔ محدودهٔ فعالیت روح القدس است؛ زیرا درحالی‌که پنطیکاستی‌های کلاسیک معتقد به فعالیت روح القدس در درون کلیسا و در جمع روحانیون بودند، نوکاریزماتیک‌ها بر این باورند که روح القدس در درون جوامع روحانی و نیز در بیرون آن در حال فعالیت است. همچنین بسیاری از نوکاریزماتیک‌ها در آموزه پنطیکاستی «شواهد اولیه»، مبنی بر اینکه تکلم به زبان‌ها نشانهٔ غسل تعمید روحانی است، تردید داشته یا آن را کم‌اهمیت می‌دانند (McClymond 2014: 36).

علاوه بر این، انواع مختلف سبک‌های رهبری و موعظه کاریزماتیک و استقلال رهبران با کاریزمای شخصیتی از کلیساهای سنتی، رهایی از سلسله‌مراتب کلیسایی و آموزه‌های سختگیرانه آن، مجموعه‌ای گسترده و ناهمگن از کلیساهای خرد و بزرگ مستقل، با اعمال، مناسک و سبک‌های عبادی متنوع سازگار با فرهنگ‌های مختلف محلی، در کلیساهای جنبش نوپنطیکاستی، زمینه را به گونه‌ای ایجاد می‌کند که برای طیف گسترده‌ای از افراد جذاب باشد (Butticci 2020, vol. 2: 531).

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد منشأ جغرافیایی نوپنطیکاستی وجود دارد. برخی از محققان به تأثیر جهانی انجیل رفاه آمریکایی اشاره می‌کنند؛ درحالی‌که برخی دیگر چنین دیدگاهی را به چالش می‌کشند و بر ریشه‌های چندمرکزی نوپنطیکاستی و اولین ظهورهای هم‌زمان آن در آفریقا و آسیا در آغاز قرن بیستم تأکید می‌کنند. آنچه مسلم است این است که نوپنطیکاستی، توانایی قابل‌توجهی در سازگاری با فرهنگ‌ها و جوامع محلی، شکل‌دهی جریان‌های جهانی توده‌ای و ایده‌ها و منابع معنوی و اقتصادی از خود نشان داده است. نتیجهٔ این امر، تغییر چهره دینی و اجتماعی مسیحیت جهانی در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم بوده است (Butticci 2020, vol. 2: 531).

دربارهٔ انجیل یا پیام سعادت که موتور محرکهٔ این جنبش، به‌ویژه در میان تودهٔ فقرا و طبقهٔ متوسط جوامع است نیز نقدهای جدی مطرح است. از مهم‌ترین نقدها

می‌توان به دیدگاهی اشاره کرد که ریشه آن را غیرپنطیکاستی می‌داند. به عبارتی ادعا شده که این پیام در یک فضای غیرپنطیکاستی در مان ذهن، تفکر مثبت، خودیاری و ادبیات موفقیت به‌عنوان بخشی از جنبش اندیشه نوین^۱ سرچشمه گرفت. الهیات ایمانی و جنبش رفاه یا سعادت، محصول جنبش‌های پنطیکاستی یا کاریزماتیک نیست؛ اما می‌توان آن را از نظر تاریخی در منابع فرقه‌ای ردیابی کرد؛ یعنی زمانی که ای. دبلیو. کنیون^۲ معنویت پنطیکاستی و اندیشه نوین را با کمک آرمان‌گرایی فلسفی رالف والدو امرسون،^۳ نظریه نوافلاطونی تطابق عارف سوئدی امانوئل سویدنبرگ،^۴ تلاش عرفانی هلنا بلاواتسکی^۵ برای قوانین معنوی یکسان، ایده‌های ذهنی - فکری و شفا بخشی فینیاس پارکهرست کویمبی،^۶ و بینش مری بیکر ادی^۷ در مورد قدرت ذهن بر بدن، در جنبش علم مسیحی،^۸ ترکیب کرد. اندیشه نوین شامل گروه‌هایی مانند علم دینی،^۹ علم مسیحی و مکتب وحدت مسیحیت^{۱۰} بود (Nel 2020: ch. 3: The Project: Prosperity Gospel).

موج چهارم، ضمن تقویت ایده‌های سلطنت‌گرایی و تسلط بر «هفت حوزه» زندگی بشر، یعنی تجارت، حکومت، رسانه، هنر و سرگرمی، آموزش، خانواده و دین (McClymond 2014: 43)، از حالت فرقه‌ای خارج شده و بر فعالیت جهانی تأکید دارد؛ بنابراین، این جریان اساساً شکل یک فرقه خاص را نداشته، بلکه شبکه‌ای از رهبران مستقل کلیسا و فراکلیسایی است؛ درحالی‌که جنبش‌های نوکاریزماتیک یا نوپنطیکاستی که در دهه ۱۹۷۰ تأسیس شدند، به دنبال ایجاد جماعت و تأسیس

1 . New Thought movement.

2 . E.W. Kenyon.

3 . Ralph Waldo Emerson.

4 . Emmanuel Swedenborg.

5 . Helena Blavatsky.

6 . Phineas Parkhurst Quimby.

7 . Mary Baker Eddy.

8 . Christian Science.

9 . Religious Science.

10 . Unity School of Christianity.

کلیساهای وابسته بوده‌اند. رهبران موج کاریزماتیک مستقل شبکه‌ای ترجیح می‌دهند به طور مستقیم بر اعتقادات و عملکرد افراد، صرف‌نظر از وابستگی‌های شخصی و فرقه‌ای آن‌ها، تأثیر بگذارند؛ یعنی فعالیت فرافرقه‌ای و نجات فردی، مهم‌تر از ساختن اجتماعات کلیسایی تلقی می‌شود. بدون هیچ فرقه یا جنبش رسمی، رهبران جنبش از طریق شبکه‌های تعاونی غیررسمی و درعین حال قدرتمند، به هم متصل می‌شوند. به همین دلیل است که برخی این جنبش را به مثابه یک نوع حاکمیت شبکه‌ای^۱ توصیف می‌کنند (Christerson & Flory 2017: 8; Smith 2018).

رهبران فعال در این جنبش شبکه‌ای از سوی خودی‌ها به‌عنوان رسولان یا حواریون^۲ نامیده می‌شوند؛ حواریونی که مدعی داشتن اقتدار ماوراءطبیعی بوده که این اقتدار مؤید خدمت آن‌ها تلقی شده و همچنین اقناع‌کننده تمایل آن‌ها به کاریزماتیک بودن است. ارتباط این شبکه بین‌المللی رسولان از طریق فناوری‌های ارتباطی مدرن مانند اینترنت تسهیل می‌شود و امکان به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و پیگیری پروژه‌های مشترک را بدون محدودیت‌های عملکرد در یک ساختار سلسله‌مراتبی فراهم می‌کند (Christerson & Flory 2017: 50-53). این فناوری‌های مدرن به رهبران جنبش اجازه می‌دهد تا از طریق ایجاد انجمن‌های آنلاین در بستر اینترنت، با گروه‌ها و پیروان بین‌المللی خود ارتباط‌های فراجغرافیایی برقرار کنند. پیروان عمدتاً از طریق این انجمن‌های آنلاین، با رهبران آشنا می‌شوند، و گاهی اوقات برای شرکت در کنفرانس‌ها سفر می‌کنند (see: Smith 2018; Ostling 2017).

کریسترسون و فلوری در کتاب خود از افرادی مانند چه آن^۳ و گروه وی با عنوان «کشیشان بین‌المللی هاروست»^۴، بیل جانسون^۵ و کلیسای بتل^۶، و مایک بیکل^۷ و

1. network governance.

2. Apostles.

3. Ché Ahn.

4. Harvest International Ministries.

5. Bill Johnson.

6. Bethel Church.

7. Mike Bickle.

خانه بین‌المللی دعا^۱ به‌عنوان نمونه‌هایی از رهبران و سازمان‌های فعال در این جنبش نام می‌برند (Christerson & Flory 2017: 32-42). ریچارد اوستلینگ علاوه بر این، سیندی جیکوبز و چاک پیرس را نیز به‌عنوان رهبران جنبش معرفی کرده است (Ostling 2017).

1 . the International House of Prayer.

جمع‌بندی

جنبش پنطیکاستی اولیه‌ای که در ابتدای قرن بیستم در آمریکای شمالی ظهور کرد، از نظر اعتقادی، پیوسته در حال تغییر و دگرگونی مشخصی در نوع تأکید بر برخی از آموزه‌های خود بوده است. این دگرگونی‌ها در قالب انشعاب افراد شاخص و پیدایش جریان‌های جدیدتر، تا به امروز ادامه داشته که مورد تبیین و تحلیل قرار گرفتند.

درحالی‌که در دو موج اول، پنطیکاستی کلاسیک و کاریزماتیک‌های اولیه، تکلم به زبان‌ها جایگاه کاملاً محوری داشته و نشانه دریافت تعمید روح القدس شمرده می‌شد و تعمید در روح القدس به نوبه خود، دال بر ایمان و نجات فرد مؤمن بود، در موج سوم، نوپنطیکاستی‌ها و نوکاریزماتیک‌ها، تکلم به «زبان‌ها» نه دلیل مقدماتی بر تعمید در روح القدس است و نه ضروری محسوب می‌شود. کل کار روح القدس در گروه فرد به دین مسیحیت صورت می‌گیرد؛ در واقع ممکن است تجربیاتی به دنبال ایمان و گروه به مسیحیت رخ دهد، اما این‌ها برای تعمید هیچ مؤمنی لازم و ضروری نیست. به عبارت دیگر، طبق نظر اکثر پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌های موج اول و دوم، غسل تعمید توسط روح القدس، رویدادی متعاقب و جدا از دریافت روح در هنگام پذیرش آیین مسیحیت است که شاهد اولیه آن صحبت کردن به زبان‌های دیگر است (Ervin 1984). پنطیکاستی‌های موج سوم و چهارم، هرچند این تجربه را انکار نکنند، اما از آنجاکه تجربه تعمید روح القدس را همان تجربه ورود به دین مسیحیت می‌دانند و نه تجربه‌ای مستقل و متمایز، پس بدیهی است که این تجربه از نظر آن‌ها ضروری نبوده و شاید حتی زائد هم باشد.

هرچند در همه جریان‌های پنطیکاستی بر جایگاه و عملکرد روح القدس تأکید می‌شود، اما طرفداران موج سوم و چهارم با این موضوع با مصالحه و اغماض برخورد می‌کنند. برای مثال، آن‌ها باور دارند که عطایا را می‌توان بدون تجربه غسل تعمید روح القدس دریافت نمود و عباراتی مانند تعمید در روح القدس را می‌توان و باید

حذف کرد. به عبارت دیگر، اغلب طرفداران دو موج اخیر معتقدند که همه مسیحیان می‌توانند و باید از همه مواهب معنوی بدون نیاز به قدرت خاصی استفاده کنند؛ همچنین تأکید اصلی این‌ها بر معجزات و نبوت است (Grudem 1996: 25). به همین دلیل، برخی از محققان طرفدار پنطیکاستی کلاسیک، معتقدند که جنبش‌های موج سوم و چهارم، آموزه اعتقادی نزول روح القدس را به مخاطره انداخته‌اند؛ زیرا جان ویمبر و پیترواگنر که مسئول توسعه و گسترش این دو موج اخیر هستند، ارتباطی با پنطیکاستی کلاسیک نداشته‌اند؛ بنابراین، نمی‌توان گفت که خاستگاه و محرک دو موج اخیر، همانند دو مورد اول، روح القدس بوده است (Hawkes 2009: 119-120).

دو هدفی که در تمام موج‌ها یا جریان‌های پنطیکاستی‌گرایی ثابت بوده، تبشیر همه‌جانبه برای جذب حداکثری و اتحاد مسیحیت جهانی است که نیل به آن‌ها توجیه‌گر استفاده از هر وسیله‌ای است و این امر در عملکرد دو موج اخیر به‌خوبی مشهود است. آن‌ها از دکتربین انجیل سعادت و یا پیام سلامت و ثروت و نیز آموزه‌های معجزه و شفا برای جذب حداکثری طبقات فقیر و متوسط جامعه بهترین بهره را می‌برند. این فعالیت در جوامع متدین و درعین حال، گرفتار مشکلات اقتصادی قاره آفریقا، آمریکای جنوبی و آسیا رونق بیشتری دارد. موج‌های جدید پنطیکاستی، ضمن تلفیق آموزه‌های فوق با سنت‌های بومی جوامع این مناطق، مشغول تبشیر چهره‌ای جدید از مسیحیت و متفاوت از دین رسمی مسیحیت هستند.

نکته دیگر درباره دو موج اخیر پنطیکاستی‌گرایی، ورود رسمی آن‌ها به عرصه سیاست است که موفقیت‌های آن‌ها در این حوزه، زمینه گسترش بیشتر و سریع‌تر این جنبش‌ها را در اکثر قاره‌ها فراهم کرده است. در نتیجه این نفوذ سیاسی، به‌رغم انحراف غالب آموزه‌های آن‌ها از سنت‌های نهادینه مسیحیت، فعالیت‌هایشان خوشایند نهادهای دینی و سیاسی امروز غرب مسیحی است؛ زیرا بر تعداد مسیحیان و غلبه جمعیتی مسیحیت بر ادیان رقیب، کمک شایانی می‌کند. بنابراین، شناخت دقیق‌تر این پدیده، خصوصاً دو موج اخیر آن، از جنبه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

1. Anderson, Allan (2002), Diversity in the Definition of "Pentecostal/Charismatic" and Its Ecumenical Implications: Difficulties with Definitions, *Mission Studies*, 2002 / 01 Vol. 19; Issue. 1 (pp. 40-55).
2. Anderson, Allan (2004), *An Introduction to Pentecostalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Atter, Gordon F. (1962), *The Third Force*. Peterborough, Ontario: The College Press.
4. Blumhofer, Edith L. (1988), "Assemblies of God", in DPCM (Dictionary of Pentecostal and Charismatic Movements), pp. 28-33
5. Blumhofer, Edith L. (1989) *The Assemblies of God: A Chapter in the Story of American Pentecostalism*, Springfield, Mo.: Gospel Publishing House, (Vol 1, pp. 83-85)
6. Brumback, Carl (1961), *Suddenly from Heaven: A History of the Assemblies of God*, Springfield. MO.: Gospel Publishing House.
7. Bruner, Frederick Dale (1970 & 1982), *A Theology of the Holy Spirit, The Pentecostal Experience and the New Testament Witness*, Grand Rapids, Michigan: Eerdmans.
8. Burgess, Stanley M & Gary B. McGee (1988), *Dictionary of Pentecostal and Charismatic Movements*, Grand Rapids, MICH.: Zondervan.
9. Buttici, A. (2020), Neo-pentecostalism, In *The SAGE encyclopedia of the sociology of religion* by Adam Possamai and Anthony J. Blasi (Editors), (Vol. 2, pp. 531-531). SAGE Publications Inc., <https://doi.org/10.4135/9781529714401.n305>
10. Christerson, Brad; Flory, Richard (2017), *The Rise of Network Christianity: How Independent Leaders Are Changing the Religious Landscape*. Oxford: Oxford University Press.
11. Chryssides, George D. (2012), *Historical dictionary of new religious movements*, 2nd ed., Scarecrow Press, Inc.
12. Cox, Harvey (1995), *Fire from Heaven: The Rise of Pentecostal and Spirituality and the Reshaping of Religion in the Twenty-first Century*, Da Capo Press.
13. Daugherty, Dyron B. (2018), *Rising: The Amazing Story of Christianity's Resurrection in the Global South*, Minneapolis: Fortress Press.
14. Duffield, Guy P.; Van Cleave, Nathaniel M. (1983), *Foundations of Pentecostal Theology*, Los Angeles: Foursquare Media.
15. Dunn, James D. G. (1970), *Baptism in the Holy Spirit*. Philadelphia: The Westminster Press.
16. Ervin, H. M. (1984), *Conversion-Initiation and the Baptism in the Holy Spirit*. Peabody, Mass.: Hendrickson
17. Grudem, Wayne (1996), *Are Miraculous Gifts for Today?* Michigan: Zondervan.
18. Harper, Michael (1965), *As At The Beginning: the Twentieth Century Pentecostal Revival*.

19. Hawkes, Paul (2009) A critical analysis of the third and fourth wave of Pentecostalism, University of South Africa, Pretoria.
20. Hocken, Peter (1986), Streams of Renewal, Great Britain: The Paternoster Press.
21. Hollenweger, Walter J. (1997), Pentecostalism: Origins and Developments Worldwide, Peabody.
22. Hummel, Charles E, (1993), The Prosperity Gospel, Health and Welfare and the Faith Movement, Downer Grove, Ill.: Inter-Varsity.
23. Kendrick, Klaude (1961), The Promise Fulfilled: A History of the Pentecostal Movement, Springfield, MO.: Gospel Publishing House.
24. Livingstone, E. A., ed. (2013), The Concise Oxford Dictionary of the Christian Church (3rd ed.), Oxford University Press (Pentecostalism).
25. McClymond, Michael J. (2014), Charismatic Renewal and Neo-Pentecostalism: From North American Origins to Global Permutations, In: The Cambridge Companion to Pentecostalism (edited by Cecil M. Robeck, Jr. and Amos Yong) Cambridge University Press, pp.31-51.
26. McLean, Mark D, (1984), "Toward a Pentecostal Hermeneutic" Pneuma: The Journal of the Society for Pentecostal Studies, Fall (35-56).
27. McNamee, J. J. (1974), The Role of the Spirit in Pentecostalism: A Comparative Study, Ph.D. dissertation Eberhard Karls University, Tübingen.
28. Moriarty, Michael G. (1992), The Charismatics, Michigan: Zondervan.
29. Nel, Marius (2020), The Prosperity Gospel in Africa: An African Pentecostal Hermeneutical Consideration, Wipf and Stock Publishers, Oregon U.S.A. (Ch. 3. The Project: Prosperity Gospel).
30. Omenyo, Cephas N. (2014), "African Pentecostalism", in The Cambridge companion to Pentecostalism, edited by Cecil M. Robeck, Jr., Amos Yong, Cambridge University Press.
31. Ostling, Richard (2017), Is this the 'fastest-growing Christian group in America,' and perhaps the world?: <https://www.getreligion.org/getreligion/2017/10/18/is-this-the-fastest-growing-christian-group-in-america-and-perhaps-the-world>
32. Parker, Stephen E. (1996), Led by the Spirit: Towards a Practical Theology of Pentecostal
33. Pinnock, Clark H. and Osborne, Grant R. (1971), "A Truce Proposal for the Tongues Controversy", Christianity Today 16, (October 1971), pp. 6-9
34. Quebedeaux, Richard (1983), The New Charismatics II, San Francisco: Harper and Row.
35. Reddin, Opal L. (1989), Power Encounter, Springfield, MO: Central Bible College Reddin.
36. Robins, Roger G. (1980) "Pentecostal Movement" in the Dictionary of Christianity in America, Downer Grove, ILL.: Inter-Varsity, pp. 885-891.
37. Robins, Roger G. (1980) "Pentecostal Movement" in the Dictionary of Christianity in America, Downer Grove, ILL.: Inter-Varsity, pp. 885-891.
38. Rowley, Matthew (2021), "Prophetic Populism and the Violent Rejection of Joe Biden's Election: Mapping the Theology of the Capitol

- Insurrection," *International Journal of Religion*, 2 (2), pp. 145-164: doi:10.33182/ijor.v2i2.1697
39. Shakarian, Demos (1986), *The Happiest People on Earth*. London: Hodder & Stoughton.
 40. Smith, James K. A. (2018), *How to Find God (on YouTube): A new book on "network Christianity" might include some clues to the rise of Donald Trump*; <https://lareviewofbooks.org/article/how-to-find-god-on-youtube>.
 41. Spittler, Russell P. (1988), "The Pentecostal View", in Donald L. Alexander (ed), *Christian Spirituality: Five Views of Sanctification*, Downer Grove, ILL.: Inter-Varsity, pp. 135-154.
 42. Spittler, Russell P. (1988), "The Pentecostal View", in Donald L. Alexander (ed), *Christian Spirituality: Five Views of Sanctification*, Downer Grove, ILL.: Inter-Varsity.
 43. Synan, Vinson (1997), *The Holiness-Pentecostal Tradition: Charismatic Movements in the Twentieth Century*, 2nd edition, Grand Rapids: Eerdmans Publishing.
 44. Vondey, Wolfgang (2017), *Pentecostal Theology: Living the Full Gospel, (T&T Clark Systematic Pentecostal and Charismatic Theology)*, (1st ed.), London and New York: T&T Clark.
 45. Wacker, Grant (1987), "American Pentecostals: Who Are They", *CT* 16 October, (pp. 16-21).
 46. Wagner C. Peter (1987), *Signs and Wonders Today*, FL.: Creation House.
 47. Wagner C. Peter (1988), *The Third Wave of the Holy Spirit: Encountering the Power of Signs And Wonders Today*, Ann Arbor, Michigan: Servant Publications.
 48. Wagner C. Peter (1999), *Church quake: How The New Apostolic Reformation Is Shaking Up The Church A We Know It*, Ventura, California: Regal Books.
 49. White, John (1988), *When the Spirit Comes with Power*, London: Hodder & Stoughton.
 50. Wimber, John (1986), *Power Evangelism*, San Francisco, Calif.: Harper & Row Publishers.